

همزمان بامعرفی هیات‌داوران از جمله‌احمدعلی سجادی‌صدر،

محمدهادی کریمی و حسین مهکام، اسامی فیلم‌های اقتباسی

راه‌یافته به بخش «کتاب و سینما» ی چهل‌وسومین جشنواره

بین‌المللی فیلم‌کوتاه تهران اعلام شد. دبیرخانه جشنواره

فهرست ۲۷ اثر را بدون اولویت منتشر کرده‌است: «غزال» سامان حسین‌پور، «سیاه» ابودر پاک‌نژاد، «همو—

فیلیا» کیارش صالحی، «پرستار ویژه» سیده هانیه موسوی،

معرفی فیلم‌های

اقتباسی جشنواره

فیلم‌کوتاه تهران

«بالا اجبار» ابوالفضل حیدری، «چوب جادو» کوردمان پویش، «حضور» علیرضا ملایی، «ناپایان» سیدسعید هاشم‌زاده، «دره لاک‌پشت‌ها» داریوش کرم‌پور، «شارتر» کیارش شیرواند، «هفت‌پچه‌یهودی:فیلم‌کوتاهی برای غزه» میثم غضنفری، «شیطونی» محمد رحمتی، «اثر انگشت» محمدرضا عرب‌زاده، «شبی در وطن» فاطمه‌السادات سیدعزیزی، «گرچه در برف» محمدسینا حیدری‌زاده،

ونیز در تسخیر فلسطین

فیلم «مراقب» به دلیل ضعف‌های مفرط ساختاری، حتی برای بخش اصلی جشنواره هم پذیرفته نشد



این فیلم همچنین روایت‌های دست‌اولی از تخریب محله‌هایی را ارائه می‌کند که ارتش اسرائیل برآورد کرده بود هنوز تا ۲۵ درصد ساکنان‌شان در خانه‌های خود پناه گرفته‌اند. همچنین درباره سوزاندن سازمان یافته خانه‌های غیرنظامیان و کشتن غیرنظامیان در یک محل توزیع مواد غذایی روایت‌هایی در آن مطرح می‌شود. این مستند به تهیه‌کنندگی جیمز ویلسون و با تهیه‌کنندگی اجرایی جان‌اتان گلیتز ساخته شد؛ همان تیمی که فیلم‌برنده اسکار «منطقه مورد علاقه» (The Zone of Interest) را تولید کرده بود.

امان از این سینمای عقب‌افتاده

فیلم نازا در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد و هم مورد استقبال بی نظیر مخاطبان و تماشاگران و حاضران در جشنواره قرار گرفت و هم جوایز متعددی دریافت کرد. شگفتا درحالی‌که بزرگ‌ترین تشویق تاریخ جشنواره‌ها برای همین فیلم نازا (درباره جنایات اسرائیل در غزه) در جشنواره ونیز صورت گرفت که توسط دواسرائیلی هم ساخته شده‌است! درحالی‌که جایزه ویژه هیات‌داوران که درواقع جایزه اصلی جشنواره محسوب می‌شود، به فیلم نازا تعلق گرفت، یعنی یک فیلم مستند، میدان رقابت را از سایر فیلم‌های داستانی بخش مسابقه ربود. (این توضیح لازم‌است که معمولاً در جشنواره‌های معتبر مانند کن و برلین و ونیز و… جایزه اول یعنی نخل طلا و خرس طلایی و شیر زرین و… جایزه رسمی و مدیریتی محسوب شده واز همین رو برای هیات‌داوران جایزه ویژه یا بزرگ در نظر می‌گیرند و آنها فارغ از دغدغه‌های مدیریتی و رسمی جشنواره، در واقع جایزه اول خود را تحت این عنوان اعطای‌کنند.) درحالی‌که کمپین‌های مختلف جشنواره با حضور سینماگران معروف برای حمایت از فلسطین و محکومیت اسرائیل به راه افتاد… درحالی‌که فیلم فیلمساز معروف انگلیسی، مارتین مک دانا یعنی «اسب وحشی نهم» در بخش مسابقه جشنواره ونیز شرکت داشت و درباره کودتای آمریکایی ۱۹۷۳ شیلی و نقش سازمان سیار‌دور بود… درحالی‌که…

ولی متأسفانه برخی ناسینماگران عقب‌افتاده ماکه مدعی ناراحتی و غم‌زدگی نسبت به وقایع دی ماه ۱۴۴۴ هم بودند، بدون توجه به آنچه طی این یک سال ونیم توسط جنگل جهانی بر سر ایران و ملت ایران

«علا و غول چراغ جادو» غزل لوری، «در آخرین روز جهان اتفاق افتاد» سیدعباس حسینی، «فگرات» ضیا حاتمی، «کوفتگی» امیرحسین میرزایی، «آغازی» محمدرضا خدابخش، «بزرگ زنگوله چشم» کیان زمانی، «همین یک دفعه» ریحانه کاوش، «ماه یا ماهی» مهدیه‌سادات احمدی سلیمانی و… این جشنواره به‌دبیری بهروز شیعیی از ۲۵ تا ۳۰ مهر ۱۴۰۵ در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود.



البرغوثی، ۶۷ ساله، بیش از دو دهه است که در زندان‌های رژیم صهیونیستی به‌سر می‌برد و همچنان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی فلسطین است. او که عضو ارشد فتح بود، سال ۲۰۰۴ در جریان انتفاضه دوم توسط نظامیان رژیم صهیونیستی دستگیر شد. سال ۲۰۰۴، دادگاهی در سرزمین‌های اشغالی به اتهام حملاتی که منجر به کشته‌شدن پنج نفر شد، او را به پنج بار حبس ابد به‌علاوه ۴۰ سال زندان محکوم کرد.

البرغوثی با رد اتهامات خود از به‌سمیت‌شناختن مشروعیت دادگاه رژیم صهیونیستی خودداری کرد. با وجود گذراندن بیش از دو دهه در زندان، او همچنان یک چهره سیاسی محبوب در میان فلسطینی‌هاست و بارها در نظرسنجی‌ها به‌عنوان رئیس بالقوه تشکیلات فلسطینی، عملکرد بسیار خوبی داشته‌است.

یکی از ۵۵ جایزه‌جینی

اما ماجرای جایزه‌ای که به بازیگر فیلم مراقب داده شد چه بود که برخی شبه‌رسانه‌ها، آن را در بوق کرده و گفتند جایزه بهترین بازیگر زن را برده و به‌عنوان بزرگ‌ترین افتخار جلوه دادند؟! درحالی‌که این جایزه در یکی از بخش‌های جنبی جشنواره به بازیگر فیلم مراقب داده شد و نه در بخش اصلی.

جشنواره فیلم ونیز مانند اغلب جشنواره‌های سینمایی، به‌جزبخش مسابقه اصلی که درواقع اساس آن جشنواره محسوب می‌شود، ۵۵ بخش و جایزه فرعی و جنبی دارد که برای شاخ‌وبرگ دادن و جذب سرمایه‌ها و حمایت‌های مالی مختلف دایر می‌گردند. به‌هرحال نمایش تنها ۲۲ – ۲۰ فیلم بخش مسابقه، نمی‌تواند جشنواره‌ای مانند ونیز را برای جذب پول و سرمایه و مخاطب و اسپانسر و… در حد و اندازه قابل قبول قرار دهد.

در این بخش‌ها از جایزه «هنرها و سینما» و «جایزه زیبایی‌های ارمنی» به چشم می‌خورد تا … تا «جایزه تایتل‌گذار ونیز» و «جایزه رویر برسون» و «جایزه مؤلفین زیر ۴۰» و «جایزه مارچلو ماستروانی» و «جایزه مجیک لاترن» و «جایزه بینا فیلمی» و … (با مراجعه به وبسایت رسمی جشنواره فیلم ونیز می‌توانید از جزئیات این بخش‌ها و جوایز جنبی مطلع گردید.)

… و بالاخره «جایزه آفق‌ها» که درواقع مانند ۵۵ بخش جنبی دیگر، در ذیل بخش اصلی مسابقه تعریف می‌شود.

به آثاری که استانداردها و قابلیت‌ها و ارزش‌های سینمایی حضور در بخش اصلی مسابقه را نداشتند، این امکان را می‌دهند که آثار ایدئولوژیک مورد نظر مدیران جشنواره با ساختار ضعیف هم برای امور تبلیغاتی برگزار کنندگان در جشنواره حضور داشته باشند.

درواقع این آثار اگرچه بعضا سفارش مدیران جشنواره بوده ولی از لحاظ سینمایی آنچنان ضعیف ارزیابی شدند که به هیچ ضرب و زوری نتوانستند در بخش مسابقه شرکت داده شوند!

مانند همین فیلم مراقب‌که اساساً مقدارش‌های هنری و سینمایی بوده، ضمن این‌که به‌دلیل دریافت پروانه ساخت از وزارت ارشاد و تولید رسمی در ایران، به‌نوعی مدیران جشنواره ونیز هم خود را قریب خورده‌سانند! اش دیدند! زیرا از سال ۱۴۰۱ جشنواره‌هایی مثل ونیز، فیلم‌ها و تولیدات رسمی سینمای ایران را تحریم کرده‌اند.

حالا بازیگران این فیلم در ردیف ۵۰–۴۰ بازیگر دیگر بخش‌های فرعی و جنبی، جایزه‌ای هم گرفته‌که برخلاف جوایز رسمی ونیز یعنی شیر طلایی و نقره‌ای، نه طلایی است و نه نقره‌ای؛ بلکه سیاه است! ولی برخی شبه‌رسانه‌های داخلی و خارجی به گونه‌ای جلوه دادند که گویا این بازیگر، جایزه اصلی بازیگر زن جشنواره ونیز را دریافت نموده است! درحالی‌که جایزه اصلی بهترین بازیگر زن جشنواره ونیز به ماتیلدا آرسل برای فیلم «زن ناشناخته» رسید.

این درحالی‌است که فیلم مراقب به دلیل ضعف‌های مفرط ساختاری (که منتقدین نشریات مختلف جشنواره هم به آن اشاره داشتند) حتی برای بخش اصلی جشنواره هم پذیرفته نشد! حالا این جایزه فرعی و جنبی را به زنان ایران هم تقدیم کرد! حکایت همان مورچه و کله‌پاچه‌اش است!!!

جابه‌جایی سرقت شده، برخی هنگام ورود به سرزمین‌های اشغالی ضبط گردیده و تعدادی نیز در جریان درگیری‌ها و زیر آوار از بین رفته‌اند. حتی خود هنرمند نیز دیگر به بخشی از آثار اصلی‌اش دسترسی نداشته است. از همین رو، کارهایی که در نمایشگاه نقاش سرزمین زخمی به نمایش درآمده‌اند، اصل نیستند، بلکه نسخه‌های باکیفیت و فنی چاپ‌شده از کارهای او هستند.

۲۰ اثر برای شناخت جهان یک هنرمند

برای این نمایشگاه حدود ۱۹ تا ۲۰ اثر از میان مجموعه گسترده آثار سلیمان منصور انتخاب شده است؛ انتخابی که به گفته وحیدزاده تلاش دارد مخاطب ایرانی را با جهان تصویری این هنرمند آشنا کند. منصور، هنرمندی پرکار بود که در دوره‌های مختلف زندگی خود از مضمون‌ها و شیوه‌های گوناگون بهره گرفت. اما در بسیاری از آثارش مجموعه‌ای از نشانه‌ها و موتیف‌های تکرارشونده دیده می‌شود؛ نشانه‌هایی که به زندگی و هویت انسان فلسطینی پیوند دارند.

در آثار منصور الزاما با تصویر مستقیم جنگ و درگیری مواجه نیستیم. بخش مهمی از هنر او به جای بازنمایی صرف میدان نبرد، سراغ زندگی انسانی می‌رود که در شرایط اشغال زیسته است؛ انسانی که در کنار رنج، هنوز به زندگی ادامه می‌دهد، امید دارد، شادی می‌کند و به هویت و ریشه‌های فرهنگی خود



فرهنگ

CULTURE

چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵

شماره ۷۴۱۸

یادداشت

علی اکبر اشعری آکارشناس ارشد فرهنگی

بایدها و نبایدهای جنگ ترکیبی

پرواضح است که امروز جامعه ما درگیر یک جنگ ترکیبی با آمریکا و اذنباش است. طبعاً وقتی صحبت از جنگ ترکیبی می‌کنیم علاوه بر تهاجم دشمن در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، شناختی و… در هر یک از این عرصه‌ها نیز از ترکیبی از شیوه‌های شناخته شده و ناشناخته استفاده می‌شود. آنچه به وضوح دیده می‌شود این است که به برکت ایمان و سلحشوری و رزمندگان و حمایت جانانه مردم از آنها، توانسته‌ایم ضمن توفیق در بالا بردن توان رزمی از جمله در نوآوری تجهیزات آتندی و پدافندی دقیق در میدان کارزار به موفقیت‌های بزرگ و شگفت‌انگیزی دست پیدا کنیم. در عرصه اقتصادی آنچه از بیانات مسئولین به‌دست می‌آید تلاش در افزایش تاب‌آوری جامعه است و نه پدافند اقتصادی در دشمن، در حالی که تجربه بسن تنگ‌هرمز و آثار چشمگیر آن بر اقتصاد دشمنان، نشان از این دارد که می‌توان با ضربات دیگر اقتصادی دشمن را هرچه بیشتر زمینگیر کرد. بسن تنگه نخستین گام در این رویارویی ارزیابی می‌شود. ای بسا به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم دیگری نیز بتوان فرصت‌های جدیدی به‌وجود آورد. البته چنین رویکردی نیازمند تشکیل یک قرارگاه اقتصادی با حضور اقتصاددانان و کارشناسان مومن، انقلابی و شجاع به منظور یافتن راهکارهایی در این زمینه است.

در عرصه فرهنگ نیز که این روزها دشمن برای ایجاد آسیب در باورها و غرور دینی و ملی موربانه‌وار در جامعه ما عمل می‌کند و نمود تأثیر آن را در نمایش بی‌بندوباری در سطح جامعه که برهنگی یکی از مصادیق آن است می‌بینیم، ین تنها شاهد هیچ‌گونه رفتار تهاجمی نسبت به دشمن از سوی نهادهای فرهنگی نیستیم، بلکه متأسفانه با بی‌برنامگی و رهاسازی انواع نظارت‌ها در تولید محتواهای فرهنگی و اجرا در مکان‌های فرهنگی و غیرفرهنگی عمومی، گ، رفتار یک نوع وادادگی فرهنگی و خالی کردن صحنه و ای بسا زمینه‌سازی برای تأثیر تهاجم فرهنگی دشمن نیز هستیم. به‌نظر می‌رسد همان‌گونه که در عرصه رویارویی نظامی با دشمن و به منظور هماهنگی بین همه کنشگران مرتبط با این رویارویی قرارگاه مشترکی تشکیل شده، در عرصه فرهنگ نیز نیاز به تشکیل قرارگاهی متشکل از نهادهای مسئول دولتی و نیز برخی تشکل‌های مؤثر و فعال مردمی است تا با توجه به شرایط و با بهره‌گیری از روش‌هایی منطقی که موجب کمترین تنش اجتماعی هم نشود، از آسیب‌های فرهنگی موجود و آسیب‌های فرهنگی پیش رو جلوگیری گردد.

در عرصه رویارویی تبلیغاتی نیز هر چند حضور پررصور مردم در تجمعات شایانه و روشنگری‌هایی که در آن صورت می‌گیرد عملاً به‌صورت یک رسانه فعال و مؤثر درآمده است و رسانه ملی هم با استفاده از شبکه‌های مختلف رادیویی و تلوویزیونی و نیز فضای مجازی در اختیارش تا حد قابل توجهی توانسته با ارائه اطلاعات درست و به‌موقع و روشنگری‌هایش در رویارویی تبلیغاتی با دشمن در داخل و خارج از کشور به توفیقات خوبی دست یابد اما راه‌ها بدون فضای مجازی و عدم هماهنگی برخی دیگر از رسانه‌های داخلی با اهداف و سیاست‌های نظام، ای بسا همسو با عملیات روانی رسانه‌های در اختیار دشمن ارزیابی می‌شود. به‌نظر می‌رسد در این بخش نیز با استفاده از تجربه تشکیل ستاد تبلیغات جنگ در دوران دفاع مقدس لازم است چاره‌ای جدی اندیشیده‌شود.

وفادار می‌ماند. به همین دلیل، آثار این هنرمند را می‌توان نوعی ثبت تصویری زندگی فلسطینی دانست؛ روایتی که در آن غم و تازدیی در کنار شادی، حماسه و امید قرار می‌گیرند.

زن، زمین و هویت در نقاشی‌های منصور

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار سلیمان منصور، حضور پررنگ عناصر هویتی و فرهنگی فلسطین است. زن، کشاورزی، پوشش، میوه‌ها، رنگ‌ها، سنت‌ها و شیوه‌های زندگی در نقاشی‌های او حضوری فراتر از یک عنصر تصویری دارند. به تعبیر وحیدزاده، زن در آثار منصور صرفاً یک شخصیت زن نیست، بلکه نمادی از سرزمین و هویت فلسطینی است. حتی نقش‌ونگارهای لباس زنان نیز در این آثار تنها جنبه تزئینی ندارند و به بازنمایی و حفظ هویت فرهنگی پیوند می‌خورند. در این میان، توجه منصور به محصولات کشاورزی و به‌ویژه میوه‌ها نیز معنایی فراتر از زیبایی‌شناسی دارد. او در برخی گفت‌وگوهای خود از این موضوع سخن گفته بود که اشغال، تنها به تصرف خاک و سرزمین محدود نمی‌شود، بلکه فرهنگ و داشته‌های یک ملت را نیز در معرض فراموشی یا مصادره قرار می‌دهد. از همین منظر، حضور عناصر آشنای زندگی فلسطینی، از غذا و پوشش تا محصولات کشاورزی، در آثار او بخشی از تلاش برای بازشناسی و حفظ هویت فرهنگی مردم این سرزمین است.

نمایشگاه «نقاش سرزمین زخمی» به

بهانه درگذشت سلیمان منصور، هنرمند برجسته فلسطینی، و با هدف بزرگداشت

جایگاه هنری او برگزار شده است. این

هنرمند بخش مهمی از عمر خود را صرف

روایت زندگی، رنج، هویت و امید مردم

فلسطین کرد و به یکی از مهم‌ترین

چهره‌های هنر معاصر فلسطین تبدیل شد. این نمایشگاه با

همکاری پژوهشکده و مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری برپا

شده و در کنار آن نشست تخصصی «حامل قدس» و اجرای یک

اثر هنری روی یکی از دیوارهای اصلی شهر تهران در اتوبان

مدرس نیز از جمله دیگر برنامه‌های مربوط به این رویداد است.

از پژوهش تا نمایشگاه

محمدرضا وحیدزاده، هنرگردان نمایشگاه نقاش سرزمین زخمی و دبیر شصتمین «مخفل دیدار»، درباره شکل‌گیری این رویداد می‌گوید توجه به هنر فلسطین و آثار سلیمان منصور پیش از این نیز در پژوهشکده دنبال شده است. کتاب «نقاشی و اعتراض» ازجمله آثاری است که در آن به هنر فلسطین و آثار این هنرمند پرداخته شده و کتاب «نقشی بر سنگ» نیز با موضوع تاریخ هنر فلسطین در دست چاپ است. به گفته وحیدزاده، در ادامه این مطالعات قرار بود نشستی تخصصی درباره سلیمان منصور برگزار شود، اما با اطلاع از فعالیت‌های

روایت فلسطینی در قالب شعر



روایت فلسطینی در قالب شعر

نمایشگاه «نقاش سرزمین زخمی» با مرور آثار سلیمان منصور

روایتی از هویت، رنج و امید مردم فلسطین را پیش چشم مخاطب ایرانی می‌گذارد

یاد هنرمندی که با فلسطین زیست

سلیمان منصور هفته گذشته از دنیا رفت؛ اما نام او برای مخاطبان هنر معاصر فلسطین، تنها نام یک نقاش نیست. او هنرمندی بود که بخش بزرگی از زندگی حرفه‌ای خود را در شرایط دشوار و در سایه اشغال، درگیری، بمباران و تهدید سیری کرد. وحیدزاده معتقد است عمر هنری منصور تقریباً با عمر هنر مقاومت در سرزمین‌های اشغالی همزمان بوده است؛ دوره‌ای طولانی که در آن بسیاری از آثار این هنرمند نیز به دلیل شرایط سیاسی و نظامی از میان رفتند.

به گفته او، شماری از آثار منصور در جریان نمایش یا منصور را برای مخاطب ایرانی بازخوانی کند.